

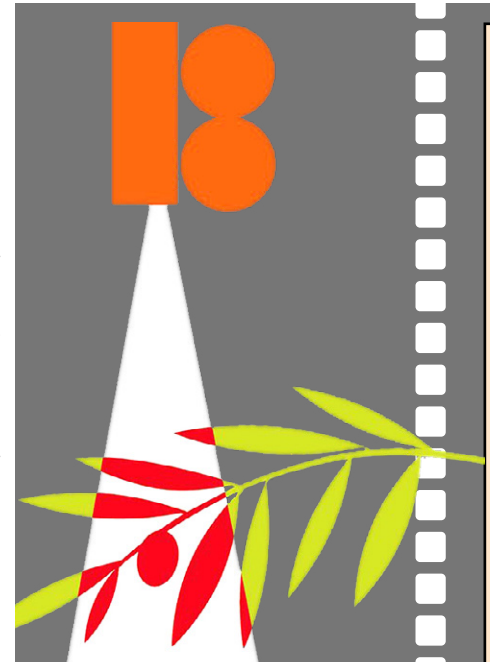
## اظهارات ظریف در جشنواره «سینماحقیقت ۱۸»

### هنر نقش بسیار مهمی در دیپلماسی دارد

محمد جواد ظریف معاون راهبردی رئیس‌جمهور بعد از ظهر سه‌شنبه ۲۰ آذر ماه به خانه هجدهمین جشنواره «سینماحقیقت» رفت و به تماشای مستند «من هامونم» به کارگردانی کمیل سوهانی نشست. محمد جواد ظریف درباره نقش هنر گفت: اصولاً هنر نقش بسیار مهمی در دیپلماسی دارد چرا که با زبانی صحبت می‌کند که برای همه قابل فهم است. او درباره کارکرد مستند نیز تأکید کرد: خیلی‌ها از مستند برای تحریف تاریخ استفاده می‌کنند البته این یک ابزار است که می‌توان از آن برای ارائه یک روایت درست به مخاطب با زبانی شیوا و جذاب استفاده کرد.

ظریف درباره اهمیت جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» توضیح داد: این فرصتی برای هنرمندان و افرادی است که زحمت می‌کشند و معلوم نیست در اکران امکانی برای دیده شدن داشته باشند و از طریق این جشنواره‌ها این فرصت را پیدا می‌کنند تا با مخاطب عمومی و مردم آشنا شده و مردم نیز با آنها آشنا شوند و بتوانند از این هنر استفاده کنند.

محمد جواد ظریف در پایان با



اشاره به اینکه برای تماشای مستند «من هامونم» به این رویداد آمده‌است، در این باره مطرح کرد: این مستند به وضعیت محیط‌زیست کشورمان، استان سیستان و بلوچستان و تهدیدهایی می‌پردازد که محیط‌زیست ما با آن روبه‌روست و یکی از چالش‌های بزرگ ملی است که باید با جدیت به آن بپردازیم. وی پس از تماشای مستند «من هامونم» گفت: مستند جالبی بود که قابلیت پخش جهانی دارد و نیاز است دنیا ببیند که چه بر سر تالاب هامون آمده‌است و من تا چند روز آینده حتماً در این زمینه کاری انجام خواهیم داد.

ظریف در پاسخ به این سوال که اولین تصمیمی که پس از تماشای این فیلم با توجه به مسئولیتش در دولت خواهد گرفت، چیست؟ توضیح داد: من به عنوان معاون راهبردی وارد دارم موضوعات مختلف را در کنار هم در مورد هامون باید ببینیم. هم روش حاکمیت کنونی در افغانستان و هم سایر کارهایی که ایران باید انجام بدهد، باید در کنار هم باشند تا وابسته به خارج نباشد. البته تعهد افغانستان به هامون فراتر از توافق سال ۱۳۵۱ هجری است به این دلیل که دولت افغانستان همواره درباره تالاب‌ها تعهد بین‌المللی داشته و در این زمینه از تعهد خود کوتاهی کرده‌است.

## نقدی بر مستند بلند «رُخ» به کارگردانی سام کلانتری

### تابلوهایی که در سینما به حرکت در می‌آیند

مستند بلند «رُخ» اثری ساختار شکن در سینمای مستند پرتره به کارگردانی سام کلانتری و تهیه‌کنندگی آرش صادقی است. مستند پرتره که با عنوان چهره‌نگار و بیوگرافی هم خوانده می‌شود الگوهای مختلفی دارد و به هیچ وجه ملزم به یک شیوه مستندسازی نیست و بسته به



سمیه خاتونی  
نقد فیلم

تصمیم کارگردان و سوژه فیلم می‌تواند از شیوه‌ها و سبک‌های مختلف مستندسازی بهره بگیرد. با این حال عموماً فیلم‌های چهره‌نگار برای ثبت خاطره، تجلیل از افراد و تبلیغ خط‌مشی و نگرش آنها ساخته می‌شود. مستند سینمایی «رُخ»، برداشتی آزاد از زندگی و رویاهای علی اکبر صادقی نقاش معاصر و هنرمند نامی هنرهای تجسمی است.

این کارگردان بعد از پروژه «از خانه شماره ۳۷» و اولین مستند بلند خود که درباره صادق هدایت بود، موفق شد نامزدی سیمرغ بلورین بهترین تحقیق و نگارش را برای فیلم «خاطراتی برای تمام فصول» از سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر کسب کند و کاندید تندیس بهترین پژوهش از هفتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت شود.

مستند «رُخ» با ورود به دل زندگی علی صادقی، برای کشف رازهای ذهنی او به تعاملات روزمره و خواب‌هایش سرک می‌کشد و قادر است دو فضای منسجم و مستقل از یکدیگر (واقعیت و خیال) هنرمند را به تصویر بکشد. در این فیلم مستندساز تأکید خود را در فصل بندی‌ها از طریق به خواب رفتن و بیدار شدن هنرمند گذاشته‌است و گویا عمل تکراری خوابیدن و برخاستن موتیفی است که در هر مرحله بیشتر از قبل ما را به دنیاهای رویایی و مخوف هنرمند هدایت می‌کند.

سام کلانتری در این فیلم به صورت بسیار آزادانه از شیوه‌های مختلف در مستندسازی اعم از شاعرانه، ترکیبی، داستانی، تعاملی استفاده کرده‌است تا به بهترین شکل دنیای وارنه درونی و بیرونی صادقی را نشان دهد. از ویژگی‌های شاخص این اثر همین پرداخت یکدست و بدون پرش است که با توجه به اینکه کارگردان از سبک‌های مختلف بهره برده‌است، اما انسجام و یکدستی اثر از ابتدا تا انتها حفظ شده‌است.

اما آنچه که این مستند را در تصویرسازی متمایز و خاص جلوه داده‌است، قاب‌های به شدت تأثیرگذار است که تابلوهای هنرمندانه این نقاش برجسته را از زوایای مختلف و با بازی‌های دوربینی به تصویر کشیده‌است و قدرت نمایشگری تابلوها که با متحرک و بزرگ‌نمایی شدنشان بر پرده سینما تأثیر آنها را دوچندان کرده‌است. مخاطب با تماشای این مستند مقهور پیوند هنر نقاشی و سینما می‌شود و گویا شاهد اثری است که قلم طراحی آن در دست کارگردان سینمایی و هنرمند نقاش است و رویای ما که زیست در فضای خیالی آثار هنری است به واقعیت بدل می‌کند.

چنانچه بخواهیم این اثر را در دو ساحت دنیای واقعی و خیالی، یعنی تعاملات علی‌صادقی با اطرافیان و خواب‌ها و رویاهایش تفکیک کنیم باید گفت، که گویا دنیای خیالی هنرمند که مملو است از دیوان، شیاطین، فرشته‌ها و با درختان معلق واقعی‌تر است. چرا که در دنیای واقعی این هنرمند در یک خانه با همسر و تعاملات با خانواده به گونه‌ای مصنوعی و ساختگی روایت شده‌است و سنگینی حضور دوربین مستندساز و راحت نبودن شخصیت‌ها با دوربین قابل لمس است که این شکاف با تکنیک (نمایش پشت صحنه) حضور و دخالت فیلمساز در روند فیلسازی قدری مستهیل شده و از مصنوعیت آن کاسته‌است.

## گفت‌وگوی صبا با سرنا امینی، کارگردان مستند «بچه سوم»

### هیچ وقت بلاگر نبودم

پگاه زارعی  
گفت و گو  
مستند «بچه سوم» عنوان فیلمی به کارگردانی سرنا امینی است که در هجدهمین جشنواره سینماحقیقت، حضور دارد. با وی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

سرنا امینی کارگردان در گفت‌وگو با خبرنگار صبا، درباره انتخاب سوژه مستند «بچه سوم»، گفت: مستند «بچه سوم» در رابطه با ناشنوایی نیست بلکه پیرامون همزیستی با خانواده‌است و به صمیمیت خانواده می‌پردازد حتی اگر فرق بزرگی بین یکی از اعضای خانواده باشد. حال اینکه چگونه به سوژه رسیدیم، باید بگویم، زمانی که تصمیم به ساخت مستند گرفتم دنبال یک سوژه انسانی بودم که بتوانم خودم را جایش بگذارم و به پیشینه‌های یکی از دوستان با مهدی کلاته آشنا شدم. درباره او چیزی نمی‌دانستم جز اینکه تنها فرزند شنوای یک خانواده کاملاً ناشنو است و در ابتدا خیلی مطمئن نبودم که این همان سوژه‌ای باشد که من دنبالش هستم چون مشابه آن را در فیلم‌های داستانی بسیاری دیدیم ولی در اولین قرارهای که با آقای کلاته گذاشتم تازه در گپ و گفت‌مان متوجه شدم که بعضی از اعضای خانواده او طی یک اتفاق، ناشنوا شدند و یعنی مادرزادی ناشنوا نبودند. او ادامه داد: آنجا بود که این سوژه برای من خیلی جذاب‌تر شد و وقتی که از هدفش برای من توضیح داد و گفت که چه چالش‌هایی از بچگی با خانواده داشته و حتی نمی‌توانسته برخی از کلمات را درست تلفظ کند برایم عجیب بود که اکنون چگونه دوباره پیدا شده‌است. به همین منظور این سوژه بسیار برای من جذاب شد و تصمیم گرفتم که این مستند را بسازم.

امینی درباره چالش‌های پیش‌رویش در ساخت این مستند گفت: چالش اصلی من در ارتباط‌گیری با سوژه‌ها بود چرا که وقتی قرار است یک مستند ساخته شود، فیلمساز باید بتواند با



کلمه بلاگر برای من نیست! من در فضای مجازی، تولید محتوای کم‌دی می‌کنم و در واقع با عزیزانی که بسیار هم به آن‌ها احترام می‌گذارم، کارم فرق دارد چون آن‌ها از مسائل روزمرگی فیلم و عکس می‌گذارند و من هیچ وقت این کار را در صفحه‌ام انجام ندهم. عده‌ای از عزیزان به مسیر کاری من انتقاد کرده بودند اما واقعیت این است، من در اینستاگرام مسیر سلامتی داشتم و همیشه مخاطب هدف من کودک و نوجوان بوده‌است. من فکرش را هم نمی‌کردم که مخاطب هفتاد ساله هم داشته باشم و این نشان می‌دهد که من در مدیوم اینستاگرام سلامت کار می‌کنم و مخاطب خانواده دارم. این کارگردان در پایان بیان کرد: تصمیم من برای ورود به عرصه سینما تصمیمی نبود که یک شبه انجام شود و به نظر من زیباترین فعلی که خداوند برای انسان تعریف کرده، همین تغییر کردن است و این تغییر در من یک شبه اتفاق نیفتاد و خوشبختانه در سینما هم در حال طی کردن مسیری با سلامت هستم. اکنون دانشجوی کارگردانی هستم و در تلاش برای ارتقای تحصیلات آکادمیک هستم و در سینمای کوتاه تجربیات ثمربخشی داشتم.

